**آیا پیروان مذهب در جامعه سوسیالیستی آزادی دارند؟**

اگر کمونیست ها قدرت بگیرند تکلیف مسلمانان و همینطور مخالفان کمونیسم چه میشود؟ چقدر آزادی بیان و عمل سیاسی خواهند داشت؟

**اصغر کریمی**: وقتی کمونیست ها و مشخصا کمونیست هایی از جنس حزب کمونیست کارگری قدرت بگیرند، فکر میکنم اکثریت قریب به اتفاق مسلمان ها و معتقدین به مذاهب دیگر و حتی اکثر مخالفین کمونیست ها نفس راحتی خواهند کشید. اجازه بدهید چند نکته را توضیح بدهم.

قبل از هرچیز لازم است به ذهنیتی که طبقات حاکم و دشمنان کمونیست ها رواج داده اند اشاره کنم. ذهنیتی که گویا هر کس خود را مسلمان یا مسیحی و غیره نامید الزاما دشمن کمونیسم و کمونیست ها است و یا کمونیست ها با مردم معتقد به مذهب سر جنگ دارند. گویا صفبندی های جامعه طبقاتی نیست. میان کارگر و سرمایه دار نیست. گویا صفبندی میان کمونیسم با مسلمانان یا معتقدین به سایر مذاهب است. این تصویری است که طبقات حاکم میدهند هزار تصویر وارونه دیگر نیز میدهند تا مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند. اما جامعه بر اساس طبقات تقسیم شده است نه بر اساس معتقدین به مذاهب و اقوام و طبقات حاکم همین اصل مهم را نمیخواهند بگویند. بخش اعظم کسانی که خود را مسلمان یا مذهبی میدانند عضوی از طبقه کارگرند و در صف انقلاب علیه جمهوری اسلامی و علیه استثمار و نابرابری قرار دارند. اینها اساسا به اردوی چپ جامعه تعلق دارند. اینها علی القاعده نه تنها دشمنی با کمونیست ها ندارند بلکه بخشی از نیروی ما برای سرنگونی حکومت اسلامی، ایجاد حکومتی سکولار و ریشه کن کردن ظلم و نابرابری هستند. فی الحال کم نیستند کارگران و معلمان و مردمی که علیرغم اینکه هنوز خود را مسلمان میدانند به حزب کمونیست کارگری نزدیک هستند، با ما همکاری میکنند و از حزب و برنامه حزب دفاع میکنند. کم نیستند کسانی که مسلمان دوآتشه بوده اند اما با آشنایی با اهداف و برنامه ما به کمونیست های دو آتشه ای تبدیل شده اند.

به این معنی بخش اعظم کسانی که خود را مسلمان میدانند یا معتقدین به سایر مذاهب با گرفتن قدرت توسط کمونیست ها از چند نظر نفس راحت خواهند کشید. اولا از ستم اقتصادی و سیاسی و مذهبی رها خواهند شد، ثانیا در انجام فرائض مذهبی خود، البته تا جایی که مغایر قوانین و مقررات مربوط به بهداشت و سلامت افراد و محیط زیست و قوانین مربوط به حمایت از حیوانات نباشد، آزادی کامل خواهند یافت، آزادی ای که فی الحال ندارند، سوما بعنوان زن رها خواهند شد و چهارم اینکه بسرعت به خرافی بودن عقاید خود پی خواهند برد و به معنی واقعی کلمه آزاد و دعاگوی! کمونیست ها خواهندشد. با رها شدن از ستم اقتصادی، سیاسی و مذهبی و ستم به زن، برای اولین بار روابطی انسانی در جامعه و در خانواده ها ایجاد خواهد شد و همین کمک میکند که تتمه اعتقادات مذهبی بسیاری از فی الحال مسلمان ها هم از بین برود. هستند کسانی که علیرغم تعلق به اقشار پایین جامعه اما چنان افکار مذهبی آنها را مسخ کرده است که با کمونیست ها احساس دشمنی میکنند. اما با گرفتن قدرت توسط کمونیست ها و ایجاد تغییر در زندگی آنها بسرعت خود را در برنامه های رفاهی و سیاسی حکومت کمونیستی شریک خواهند کرد و به مدافعین حکومت تبدیل خواهند شد. بخش دیگری هم هستند که مسلمان یا زرتشتی و مسیحی و غیره هستند و یا حسابگرانه خود را اینطور نشان میدهند و بخشی از طبقه مفتخور جامعه را تشکیل میدهند. اینها خود را کاملا در مقابل کمونیست ها و حکومت شورایی میبینند و حق دارند. چون جلو استثمار آنها از کارگران و جلو سوء استفاده ها و اختلاس ها و امتیازات مالی بیشماری که دارند گرفته میشود. اما حزب ما معتقد به آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده است. معتقد به آزادی کامل و بی قید و شرط اعتقاد به مذهب و یا عدم اعتقاد به مذهب است و حکومتی که ما برای آن مبارزه میکنیم آنها را بخاطر عقیده شان از حقوق مدنی محروم نمیکند و سرکوب نمیکند. آنها در بیان اعتقادات خود بسیار آزادتر از زندگی تحت حکومت اسلامی و سایر حکومت های موجود هستند. ما مذهب را کاملا از دولت و آموزش و پرورش و سیستم قضایی جدا میکنیم، با صنعت مذهب در می افتیم، نمیگذاریم دولت کوچکترین بودجه ای صرف امامزاده ها و موسسات مذهبی کند، کودکان را از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون میکنیم و مراسم مذهبی خشونت آمیز را ممنوع میکنیم، اما این به معنی خصومت با معقتدین به مذهب نیست. برعکس شرط احترام به مردم و نگهداشتن حرمت مردم این است که تلاش کنیم با کار آگاهگرانه آنها را از خرافات مذهبی دور کنیم. هیچ انسانی و از جمله معتقدین به اسلام یا مسیحیت و یهودیت و غیره شایسته این خرافات نیستند.

بخش دیگر سوال شما به مخالفین سیاسی و آزادی آنها در بیان و عمل سیاسی در حکومت کمونیستی مربوط میشود. بندهای زیادی در برنامه ما به صراحت بر آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی و آزادی بیان و عقیده و اعتصاب و اعتراض و تجمع و مطبوعات و همینطور آزادی مذهبی و بی مذهبی تاکید کرده است. برنامه ما حتی در مقایسه با دمکراسی های غربی به مراتب آزادی عمل بیشتری برای مخالفین و منتقدین قائل شده است چه برسد به حکومت هایی مانند حکومت شاه و جمهوری اسلامی. اینها از نظر ما وعده هایی که یک حزب به مردم میدهد نیست. اینها پلاتفرم مبارزاتی ما در حال حاضر است و تلاش میکنیم جامعه را هرچه بیشتر با روح آزاد اندیشی آشنا کنیم، مردم را به حقوق خودشان آشنا کنیم و آنها را متشکل کنیم که قدرت دفاع از خود و خواست های خود را در هر شرایطی داشته باشند. مردم باید آزادی بی قید و شرط داشته باشند که بالاترین مقامات حکومت را دست بیندازند، از آنها کاریکاتور بکشند، نقد کنند و جواب بخواهند. ما مقدسات نداریم. هر کس باید آزاد باشد علیه هر مرام فکری و سیاسی و یا علیه هر دین و مذهبی تبلیغ کند و طنز بگوید. آنچه در برنامه یک دنیای بهتر گفته شده تصویری از آزادی بی حد و حصر در جامعه آینده را نشان میدهد.

نکته مهم دیگر این است که ما برای برقراری یک حکومت شورایی مبارزه میکنیم. در حکومت شورایی مردم بطور واقعی صاحب اختیار میشوند. همه آحاد جامعه، صرفنظر از اعتقادات مذهبی یا سیاسی و صرفنظر از اینکه مخالف و منقد حکومت باشند یا طرفدار حکومت و صرفنظر از میزان درآمد و دارایی شان، میتوانند در هر کارخانه و دانشگاه و محله ای هستند عضو شورا و یا شوراهای خود شوند، اظهار نظر کنند، پیشنهاد بدهند، در اداره امور شریک شوند، به مناصب مختلف در شوراها انتخاب شوند و برای اولین بار احساس شخصیت کنند و در اداره جامعه جامعه نقش بازی کنند. برای اولین بار ابتکار و خلاقیت آدم ها شکوفا خواهد شد، خصومت های طبقاتی و جنسی و اعتقادی و اخلاقیات ناشی از مناسبات استثمارگرانه کنونی و تلخی ها و کدورت های احمقانه کنونی کنار خواهد رفت و مناسباتی انسانی جای آنها را خواهد گرفت. در نتیجه بشر به معنی واقعی برای اولین بار در تاریخ حیات خود آزاد خواهد شد.